

که بالاترین تولید روزانه نفت کشور در سال‌های ۸۳ و ۸۴ اتفاق افتاده است. البته پیش از آن نیز میانگین تولید روزانه نفت از سال ۷۵ تا سال ۸۳، بالاتر از ۳.۵ میلیون بشکه را نشان می‌دهد. در سال‌های بعد دهه ۸۰ شمسی نیز میزان تولید نفت کماکان بین اعداد ۳.۸ تا ۳.۷ میلیون بشکه در روز در نوسان بود، اما از ابتدای دهه ۹۰ و هم‌زمان با دور اول تحریم‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران، به تدریج تولید نفت کاهش پیدا کرد و سال ۹۲، تولید نفت تا ۲.۶ میلیون بشکه در روز پایین آمد و تا سال ۹۴ نتوانست به بالای سه میلیون بشکه در روز بازگردد.

با نخستین روزنه‌های امید در اجرای برجام، تولید و صادرات نفت بالا رفت تا آنجا که ایران در سال ۹۶، روزانه ۳.۸ میلیون بشکه نفت تولید کرد.

با خروج یکجانبه آمریکا از برجام با شعار به صفر رساندن صادرات نفت ایران، دوباره تولید نفت روند کاهشی به خود گرفت و در نهایت تولید نفت در سال ۹۹ تا ۱.۹ میلیون بشکه در روز پایین آمد که پایین‌ترین رقم تولید نفت کشور در ۲۵ سال اخیر محسوب می‌شود. بدین ترتیب دولت آقای رئیسی در شرایطی بر سر کار آمد که میزان تولید نفت کشور در حداقل تاریخی خود قرار داشت.

دولت قبل اگرچه تحریم‌ها را عامل کاهش تولید و صادرات نفت خام و میعانات گازی عنوان کرده بود، اما عملکرد دولت سیزدهم در ماه‌های گذشته نشان می‌دهد اگرچه عامل تحریم هزینه‌های صنعت نفت را در همه بخش‌ها بالا می‌برد اما اگر اراده مدیران کشور بر تولید و صادرات نفت باشد، تحریم یارای مقابله با آن را ندارد. تا آنجا که بر اساس آمارهای اوپک، هرچند که تحریم‌ها هنوز به قوت خود باقی است اما تولید نفت به ۲.۴ میلیون بشکه در روز رسیده است و آن‌گونه که وزیر نفت نیز پیش از این اعلام کرده بود، بخش بزرگی از ذخایر نفت خام و میعانات گازی ایران که در خشکی یا روی دریا ذخیره شده بود، حالا به دست مشتریان رسیده است. اقدام دولت سیزدهم اگرچه تا همین جای کار نیز با وجود تحریم، قابل ستایش است اما آن‌گونه که مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران مطرح کرده، ظرفیت تولید نفت کشور در سال‌های تحریم به دلایل متعدد افت پیدا کرده بود که با یک برنامه فشرده و جهادی که مستلزم پروژه‌های چاه‌محور است ظرفیت تولید نفت کشور تا اسفندماه به پیش از تحریم‌ها بازگشت.

ایران اگرچه همچنان با تحریم‌های شدید آمریکا روبه‌رو است اما توانسته رشد اقتصادی خود را از ۱.۸ درصد در ۶ ماهه نخست سال ۹۹ به ۳.۳ درصد در ۶ ماهه ابتدایی ۱۴۰۰ برساند.

این اعداد نشان می‌دهد اقتصاد ایران در ۶ ماهه امسال در مقایسه با

دولت دهم در سه سال

پایانی خود ۹۳ میلیارد دلار

سرمایه‌گذاری خارجی در

صنعت نفت جذب کرد.

نتیجه آن سرمایه‌گذاری‌های

عظیم را دولت گذشته در

سال‌های بعد با افتتاح

پروژه‌های نفت و گاز

برداشت کرد و البته آن

پروژه‌ها را به نام خودش زد

مدت مشابه سال قبل ۱.۵ درصد بزرگتر شده است.

نگاهی به رشد اقتصادی کشور بدون احتساب نفت نشان می‌دهد که اقتصاد بدون نفت در ایران در ۶ ماه نخست ۱۴۰۰ تنها نیم درصد افزایش داشته و از ۱.۹ درصد در بهار و تابستان سال ۹۹ به ۲.۴ درصد در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۰ رسیده است.

رشد تولید ناخالص داخلی در گروه نفت نیز تأیید می‌کند که سهم نفت در رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۰ بیشتر شده، به گونه‌ای که اگرچه در ۶ ماه نخست سال ۹۹، گروه نفت رشدی منفی یک‌دهم درصدی را به ثبت رسانده بود، این عدد در ۶ ماهه اول ۱۴۰۰ به ۱۵.۱ درصد افزایش پیدا کرده است که حکایت از رشد ۱۵.۲ درصدی نفت در این مدت دارد. این اعداد نشان می‌دهد صادرات نفت ایران در این مدت با وجود تحریم‌ها افزایش داشته است.

پیش از این نیز رئیس‌جمهور با بیان اینکه یقین دارم تحریم‌ها و تنگناها ما را متوقف نمی‌کند، گفته بود که تحریم ما را در پیشرفت مصمم‌تر می‌کند و امروز آثار این باور را در قالب بعضی از گشایش‌ها در صادرات نفت و وصول درآمد آن مشاهده می‌کنیم.

با توجه به گشایش‌های دولت سیزدهم در زمینه فروش نفت، حجم در نظر گرفته شده برای صادرات نفت برای اهمیت ویژه‌ای دارد.

بورس

دولت قبل در مورد بورس هم با فریب دادن مردم برای ورود انبوه به بورس و سپس فروش سهام دولتی و رفع کسری بودجه و سپس رها کردن بازار سهام به دست شرکت‌های بزرگ حقوقی، آنچنان ضربه‌ای به اعتماد مردم وارد کرده که

سالیان سال زمان خواهد برد تا دوباره مردم ایران به بورس اعتماد کنند.

کمتر کسی فکر می‌کرد روزی رئیس‌جمهور کشور (روحانی) در خصوص آمار مشارکت‌کنندگان در عرضه اولیه صحبتی بکند و با افتخار آن را اعلام کند! یا کمتر کسی فکر می‌کرد رئیس‌جمهور بگوید همه‌چیزتان را به بورس بسپارید. کمتر کسی فکر می‌کرد سیاست‌های پولی کشور به جای کنترل تورم، به سمت حمایت از بازار سرمایه و هدایت نقدینگی به سمت بورس باشد.

کمتر کسی فکر می‌کرد، رئیس دفتر رئیس‌جمهور (واعظی) بنشیند و برای بازار تحلیل تکنیکال بکشد و کف مقاومت و حمایت برای بازار تعیین کند. کمتر کسی فکر می‌کرد، رئیس سازمان بورس به دلیل جلوگیری از رشد بازار به دلیل نداشتن عمق و مخالفت با دولتمردان برکنار شود.

کمتر کسی فکر می‌کرد، وزیر اقتصاد (دژپسند) با افتخار از جبران کسری بودجه دولت از بازار سرمایه خبر بدهد. کمتر کسی فکر می‌کرد، اختلاف وزیر اقتصاد و وزیر نفت باعث عمیق‌ترین ریزش بازار سرمایه شود.

اما نکته جالب توجه در ماجرای بورس در سال‌های ۹۸ و ۹۹، دخالت‌های بی‌حد و اندازه دولت دوازدهم در بورس بوده است. جایی که مردم بعضاً تا ۷۰ درصد ضرر را تحمل کردند تا دولت گذشته بتواند تمام کسری‌های خود را جبران کند. البته در این بین در صورتی که ورود مجلس و قوه قضائیه نبود، شاید بازار سرمایه همچنان در آتش می‌سوخت و مردم نیز باید در این میان می‌سوختند. صحبت‌های روحانی در کنار عملکرد وزارت اقتصاد دولت او مبنی بر تأمین کسری بودجه ۳۲۰ هزار میلیارد تومانی نشان داد، بورس بیشتر یک ابزار برای جبران عملکرد نامناسب دولت دوازدهم در حوزه‌های مالی و پولی بوده است. دولت گذشته در اقدامی دیگر باقی‌مانده سهام خود در برخی شرکت‌ها را در قالب صندوق‌های ETF به مردم واگذار کرد و پس از فروش، آن را به حال خود رها کرد به طوری که مردم بیش از ۵۰ درصد زیان کردند.

وزیر اقتصاد دولت گذشته واگذاری سهام دولت در قالب صندوق‌های ETF را توزیع ثروت میان مردم می‌دانست؛ اما زمانی که قیمت این سهم به ۵۰ درصد کاهش پیدا کرد، وی تا روز آخر دولت حرفی درباره آن به زبان نیاورد.

بی‌برنامگی دولت گذشته برای سهام عدالت از روزهای اول تشکیل دولت یازدهم مشخص بود؛ اما در روزهایی که بازار با سرعت تمام به سمت قله‌های تاریخی حرکت می‌کرد، دولت گذشته بحث آزادسازی این سهام را مطرح و مجوزهای لازم جهت این اقدام را نیز دریافت کرد؛ اما بی‌تدبیری‌ها ادامه داشت و از نیمه مردادماه ۱۳۹۹ حدود ۶۰ درصد ارزش سهام عدالت کاهش یافته است.

ویژه‌نامه

سالگرد سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۴۰۱

۴۷

ایران